

آواشناسی

نگرشی بر نظام آوایی زبان

تدوین و نگارش

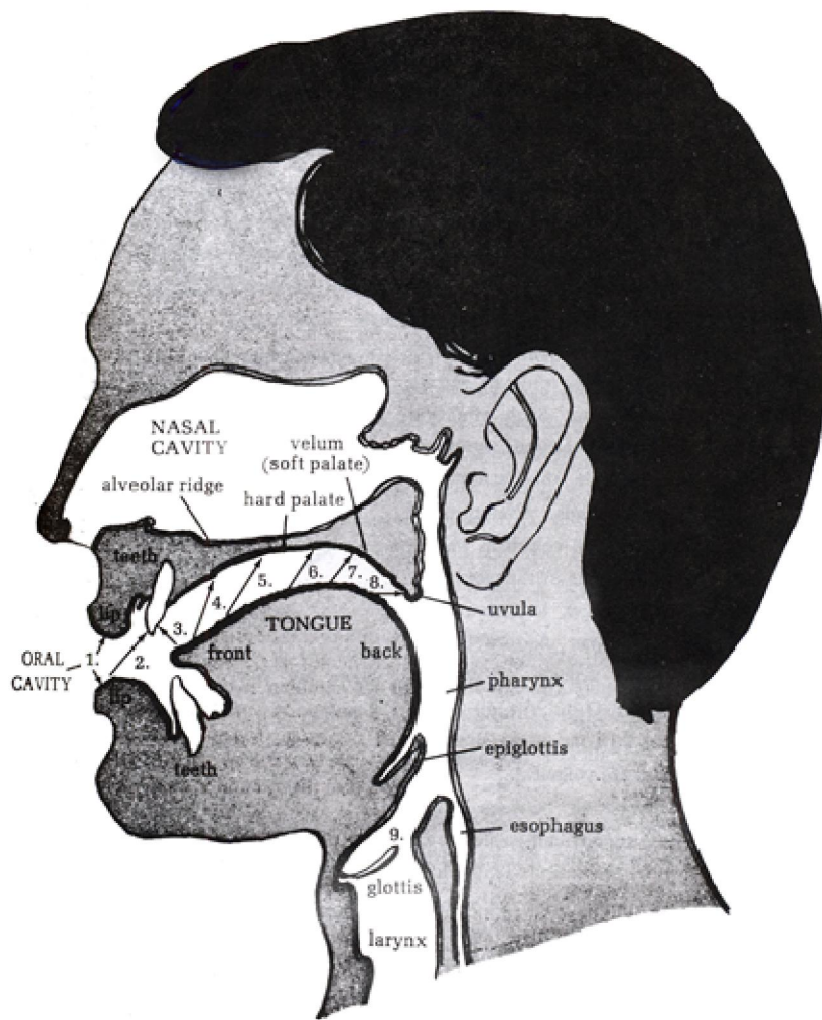
محمد آذروش

عضو هیئت مدرسین دانشگاه جامع علمی کاربردی

مدرس طرح آموزش ضمن خدمت دبیران آموزش و پرورش

پیشگفتار

کتاب حاضر نگرشی تحلیلی است بر دستاوردهای مربوط به پژوهش های انجام گرفته در حوزه آواشناسی زبان با رویکرد چگونگی تولید فیزیکی و شاخصه های زبانی آواها همراه با آرایش نظام مند آنها در ساخت واژگان زبان .



Phonetics

The term phonetics is commonly used in two senses referring to:

- a) the scientific study of human speech sounds, and
- b) a system of symbols to write words in phonetic symbols .

مطالعات آواشناسی معمولاً در دو حوزه صورت می گیرد:

الف - بررسی علمی صداهایی که انسان ها هنگام صحبت کردن به کار می برند

ب - سیستمی از علائم و نشانه ها برای نگارش نموده های آوایی واژه

Phonology

Phonology is the study of the sound patterns of human language. Phonology analyzes the patterns of sounds in a language.

آوا شناسی

آواشناسی عبارت است از بررسی نمونه های صوتی زبان انسان و نحوه پشت سر هم قرار گرفتن صداها در یک زبان

Phones, Phonemes, and Allophones

Phones or phonetic segments are the smallest perceptible discrete sounds; whereas, phonemes are the minimal units in the sound system of a language.

A phoneme is the smallest unit of sounds in a language which can distinguish two words.

آواها، واجها، چند صدایی ها

آواها یا المان های صدایی کوچکترین اجزای مجزای قابل درک صدا هستند. از طرف دیگر واج ها کوچکترین واحدهای صوتی در سیستم صدایی یک زبان به شمار می آیند. به بیان دیگر یک واج کوچکترین واحد صدا در زبان است که می تواند دو واژه را از یکدیگر متمایز ساخته و موجب تمایز معنایی دو واژه از یکدیگر شود

When more than one phone is the realization of a single phoneme, these sounds are called the allophones of the same phoneme.

Difference between allophones does not lead to changes in meaning.

زمانی که بیشتر از یک آوا برای درک یک واج لازم است به این نوع صداها چند صدای یک واج می‌گویند تفاوت بین چند صدایی‌ها مشخص نیست و اگر یکی به جای دیگری جایگزین شود در مفهوم تغییر ایجاد نمی‌کند

Branches of phonetics

- ۱- Articulatory phonetics
- ۲- Acoustic Phonetics
- ۳- Auditory phonetics

حوزه های مطالعات آوایی:

الف - آواهای تولیدی

ب - آواهای صوتی

ج - آواهای شنیداری

Organs of Speech

The respiratory system. The respiratory system comprises the lungs, the muscles of the chest, and the windpipe.

The airstream mechanism is called pulmonic egressive airstream mechanism .

اندام های های تولید صدا

الف - اندام تنفسی: اندام های تنفسی شامل ریه‌ها- عضلات قفسه سینه و نای است. مکانیسم جریان هوا در فرایند تولید صدا را مکانیسم خروج هوای ششی می‌نامند

The larynx and the vocal cords

a) Vocal cords drawn wide apart. (voiceless sounds) e.g: fat, chat, top, sheet

b) Vocal cords held loosely together. (voiced sounds) e.g: dead, bed, jump, zoo, yellow

c) Vocal cords held tightly together. e.g: act, empty and uncle

وضعت حنجره و تارهاي صوتي در توليد آوا

اگر تارها از هم دور باشند و حالت گسترده داشته باشند توليد آواهاي بي صدا مي کنند مانند

fat, chat, top, sheet

اگر تارها به هم نزديك، كمی کشيده ولي آزاد باشند در حالت ارتعاش آواهاي صداداري مانند

dead, bed, jump, zoo, yellow and well توليد می کنند.

ج) اگر تارها کاملاً به هم نزديك باشند در حالت کاملاً مرتعش و کشيده قرار مي گیرند که در اين صورت واك توليد مي شود

مانند : act, empty and uncle

The lips contribute to produce bilabials

لبها در توليد آواهايي مانند

my/p/ put, /b/ boot and /m/

شركت مي کنند

The teeth contribute in the production of dentals and interdental.

دندانها

Interdental بين دنداني ها يا Dental دندانیها در توليد آواهاي

بين دنداني نقش دارند

The alveolar ridge contribute to produce alveolars .

لثهها در توليد آواهايي مانند

(t, d, n, l, r, s, z)

شركت مي کنند

The hard palate contributes to produce /j/ (e.g: /yes/, /j/)

سخت کام در تولید آواهاي مانند

/yes/ شرکت مي کند /z/

The soft palate contributes to produce /k/ and /g/ . (e.g: /k/, /g/)

نرم کام در تولید آواهاي مانند

/g/ و /k/ مشارکت دارد .

The uvula contributes in the production of /q/ and /x/ in Persian

ملاز (زبان کوچک) در تولید آواهاي مانند

/kh/ و /q/

در فارسي نقش دارند

The tongue is studied in five subparts: Tip, blade, front, back, center

زبان:

زبان در پنج قسمت در تولید آوا مشارکت دارد: نوک- تیغه- جلو- پشت و مرکز

The pharynx: Extends from the top of the larynx to the hindermost part of the tongue.

حلق: ادامه قسمت جلوي حنجره که به آخرین قسمت از زبان مي رسد را حلق مي گوييم

The glottis: The space between the vocal cords in called the glottis.

چاک ناي: فضاي ايجاد شده بين تارهاي صوتي را چاک ناي مي گوييم. اين قسمت براي تولید آواهاي مانند /ء/ بکار مي رود که نیاز به نگهداري هوا دارد

Nasal: In which the air passes out through the nose only

حفره بيني يا خيشوم: عبور هوا تنها از طريق بيني صورت مي گيرد

Consonants are best described in terms of a) place of articulation, b) manner of articulation, c) voicing, and d) whether they are oral or nasal.

بهترین توصیف برای اصطلاح همخوان‌ها-آواهایی که با ممانعت یک ارگان در خروج هوا تولید می‌شوند- الف) مکان تلفظ، ب) روش تلفظ،

ج) واکنار بودن یا نبودن د) دهانی یا خیشومی بودن آنها است

Place of articulation

Bilabial e.g. /m/, /b/, /p/, /pen/

Labio-dental e.g. /f/, /v/

Dental or interdental, /ð/, /θ/

Alveolar e.g. /n/, /d/, /t/

Alveo-palatal e.g. /tʃ/, /ʃ/

Palatal e.g. /j/

Velar e.g. /k/, /g/

Uvular e.g. /q/, /x/

Glottal e.g. /ʔ/, /butter/ /bʌʔʔ(r)/

مکان تلفظ

/pen/ : آواهای دولبی

/v/ و /f/ : آواهای لبی-دندانی

/θ/ : آواهای دندانی یا بین دندانی

/n/ و /d/، /t/ : آواهای لثوی

/chin/ و /ship/ : آواهای لثوی کامی

/j/ : آواهای کامی

/k/ و /g/ : آواهای نرم کامی

در فارسی مثل قند، قوری /q/ : آواهای ملازی

/butter/ /bʌʔʔ(r)/ : آواهای چاک نایی

Manner of articulation

Stops or plosives: a complete closure of the passage of air. The closure is then suddenly removed. (p, b, t, d, k, g)

Fricatives: narrowing the two articulators and allowing the airstream to escape with friction. Fricatives are continuants. (f, v, θ, ð, s, z, ʃ, ʒ)

Affricates: a complete closure of the air passage of the blocked air is slow.

Nasals: in the production of nasal there is a closure only in the oral passage, while the nasal passage remains open. (/m/, /n/, /ŋ/)

Lateral: A lateral is produced by partially blocking the airstream by the tongue tip, but letting it escape at one or both sides of the tongue. /let/ /l/

Retroflex: the tip of the tongue is curled back. (rain)

Rolls: the tip of the tongue taps against the alveolar ridge several times

Flap: A flap has a single tap. (r-sound in rabbit)

Glides or semi-vowels: sound produced with little or no vibration of the airstream in the mouth. Partly like vowels and partly like consonants. (/w/ and /j/ (/y/))

روش های تلفظ :

توقفي يا انفجاري:

توقف کامل محل عبور هوا که در نهایت از توقف به ناگاه برداشته می شود:

/p/, /t/, /k/

که توقف در آنها قوی است

/g/, /b/, /d/

که توقف در آنها ضعیف است

سایشی: باریک کردن دو فک و اجازه دادن به جریان هوا که با اصطکاک و یا سایش رها می شود . تولید این آواها به صورت مستمر است

(f, v, θ, ð, s, z, ʃ, ʒ)

سایشی- توفقی: محل عبور هوا کامل بسته می‌شود و فشار بالا می‌رود. فرق آنها با توفقی‌ها این است که در توفقی‌ها هوا گیر افتاده و به طور ناگهانی آزاد می‌شود (انفجاری) در حالیکه در سایشی- توفقی‌ها هوا آهسته آزاد می‌شود.

خیشومی: هنگام تلفظ خیشومی‌ها فقط فضای دهانی بسته می‌شود و فضای بینی باز می‌ماند

(/m/, /n/, /ŋ/)

غلطان کناری: به این شکل تولید می‌شوند که محل عبور هوا اندکی توسط زبان بسته می‌شود و اجازه می‌دهد که هوا از یک طرف یا از هر دو طرف زبان بیرون بیاید. این صدا هاپیوسته هستند

/l/ در /let/

برگشتی‌ها: نوک زبان به سمت عقب لوله می‌شود

/rain/

غلطان: نوک زبان به لثه‌ها ضربه می‌زند یا اینکه زبان کوچک به پشت زبان چندین بار ضربه می‌زند.

/r/

بسیار لرزان در

/rabbit/

تک ضربی: آوا با یک ضربه به لثه‌ها تولید می‌شوند

در /r/

/very/

نیم مصوت‌ها: صداهایی هستند که هنگام تلفظ آنها جریان هوا در داخل دهان یا لرزش بسیار کم دارد یا اصلاً لرزش ندارد. گاهی شبیه صدادارها هستند گاهی شبیه همخوان‌ها

/w/ و /j/ (/y/)

وضعیت لرزش تارهای صوتی :

The vocal cords do not vibrate. The sound is therefore voiceless.a)

The vocal cords vibrate; the sound is, therefore, voiced.b)

الف - تارهای صوتی مرتعش نمی‌شوند که با این نوع آواها بی‌صدا می‌گویند

ب - تارهای صوتی مرتعش می‌شوند که به این نوع آواها صدا دار می‌گویند

Vowels:

In the production of vowels there is no obstruction.

Vowels constitute the main core of the syllables.

All vowels are voiced. To study them we note:

واکه ها

در تولید آواهای صدادار (واکه‌ها) هیچ مانعی قرار ندارد

واکه‌ها هسته هجا را تشکیل می‌دهند

واکه‌ها همگی صدادار هستند. در مطالعه‌ی آنها بررسی موارد زیر الزامی است

How high is the tongue?

زبان چقدر بالا قرار می‌گیرد؟

The vowels produced when any part of tongue is raised to the highest point are called high (or closed) vowels. /i/ and /u/ are high vowels.

واکه‌های مرتفع (بسته) زمانی که زبان تا بالاترین حد ممکن بالا رود ایجاد می‌شوند

/i/ و /u/

واکه‌های مرتفع هستند

Those produced with any part of the tongue at or very near the lowest point are called low (or open) vowels. The vowel /a/ 'father' is a low vowel.

واکه‌های با ارتفاع کم (باز) زمانی که زبان کاملاً به پایین‌ترین حد برسد تولید می‌شوند

/a/

در واژه 'father'

واکه با ارتفاع کم است

The vowels produced with tongue position between high and low are called mid vowels, such as /ε/ as in /bed/.

واکه‌های با ارتفاع متوسط زمانی که زبان در وضعیتی بین حد بالا و حد پایین قرار می‌گیرد تولید می‌شوند. مثل

/ε/ در

/bed/

What part of the tongue is involved? (What part is raised?)

کدام قسمت زبان برای تولید آوا درگیر است؟ کدام قسمت بالا می‌آید؟

a) Front vowels: front part of the tongue raised. "seat" /sit/, "sit" /sɪt/

b) Central vowels: central part of the tongue raised. "around" /əraʊnd/, "

c) Back vowels: back part of the tongue raised. boot /bu:t/, book /bʊk/

در واکه‌های جلویی قسمت جلویی زبان بالا می‌آید

"seat" /sit/, "sit" /sɪt/,

در واکه‌های مرکزی: قسمت مرکز زبان بالا می‌آید

/. "around" /əraʊnd/,

در واکه‌های پشتی: قسمت عقب زبان بالا می‌آید

boot /bu:t/, book /bʊk/

What is the shape of the lips?

فرم لب‌ها چگونه است؟

Spread "beads" /bɪdz/

Neutral "about" /əbaʊt/

Rounded "boot" /bu:t/

گسترده : مانند

"beads' /bidz/ /e:/

مثل سیب

خنثی

"about" /əˈbaʊt/

گرد

"boot" /bu:t/

How tense are the muscles of the vocal tract, particularly the tongue?

عضلات قسمت صوتی مخصوصاً زبان چقدر کشیده شدند؟

Tense and lax vowels based on the tenseness of the muscle of the vocal tract, particularly the tongue. /i/ is tense and /ɪ/ is lax

یک مشخصه دیگر که واژه‌ها را از هم متمایز می‌کند این است که عضلات مخصوصاً زبان چقدر کشیده شده است. مانند /i/ که کشیده است و /ɪ/ که سست است

که سست است

Diphthongs

دو آوایی‌ها

A diphthang is a speech sound which starts from the point of articulation of one vowel and moves towards the point of articulation of another vowel or a semi-vowel. /ey/, /ow/, /ay/, /aw/, /ɪə/, /eə/, /uə/

آوایی هستند که از جایگاه تولید یک واژه شروع شده و به جایگاه تولید واژه بعدی و یا جایگاه تولید یک نیم مصوت منتهی می‌شوند

/ey/, /ow/, /ay/, /aw/, /ɪə/, /eə/, /uə/

The diphthong /əu/ begins with the vowel /ə/ and moves in the direction of the back vowel /u/

دو آوایی

/əu/

با واکه

/ə/

شروع می‌شود و به سمت

/u/

میل می‌کند. مثل

go, bowl

This diphthong begins with the vowel sound /a/ and moves toward /u/

دو آوایی

/au/

با واکه

/a/

شروع می‌شود و به سمت

/u/

میل می‌کند.

now, allow

The diphthong /eɪ/ starts with the vowel /e/ and moves in direction of /ɪ/

دو آوایی

/eɪ/

با واکه

/e/

شروع شده و به سمت

/ɪ/

میل می‌کند. مثل

pray, eight

This diphthong begins with the vowel /a/ and moves in the direction of /ɪ/

/aɪ/ این دو آوایی از واکه

/a/

شروع شده و به سمت

/ɪ/ میل می‌کند.

cry, sight

Beginning with /ɔ:/ this diphthong moves in the direction of /ɪ/

/ɔɪ/ این دو آوایی با

/ɪ/

شروع شده و به سمت

/ɪ/ میل می‌کند.

oil, annoy

In this diphthong, there's a movement from the front vowel /ɪ/ towards the central vowel /ɜ:/

در این دو آوایی حرکت از واکه جلویی

/ɪ/

به سمت واکه مرکزی

/ɜ:/

وجود دارد

serious

V-This diphthong begins with the front vowel /e/= /ε/ and moves in the direction of /ɪ/

این دو آوایی با واکه جلویی /e/= /ε/

شروع

شده و به سمت

/ɪ/

میل می‌کند

chair, where

This diphthong starts from the tongue position for /u/ and moves in the direction of /ɪ/

این دو آوایی با حالت زبان برای واکه

/u/

آغاز شده و به سمت

/ɪ/

میل می‌کند

pure, manual

سه آوایی‌ها

Triphthongs

A triphthong is a glide from one vowel to another and then to a third. 'fire' /faɪə/

سه آوایی‌ها، آوایی هستند که در جایگاه تولید یک واکه شروع شده و به جایگاه واکه دیگری میل کرده و ادامه می‌یابند و در نهایت به جایگاه واکه سوم منتقل می‌شوند. مانند

fire

Syllable :

Syllable is a unit of pronunciation typically larger than a single sound and smaller than a word. A syllable is usually made up of a vowel plus one or more consonants.

هجا :

واحدی از تلفظ است که معمولاً از یک صدا بزرگتر و از یک کلمه کوچکتر است

یک هجا معمولاً از یک واکه به اضافه یک یا چند همخوان ساخته می‌شود

The vowels being the obligatory element in a syllable is called the nucleus or peak.

واکه عضو الزامی یک هجا است که به آن نقطه اوج یا هسته هجا می‌گویند

Syllable:

\-the beginning consonant: onset

ʔ-the vowel: peak or nucleus

ʔ-the final consonant: coda

هر هجا به سه قسمت تقسیم می‌شود

Onset همخوان آغازین هجا

نامیده می‌شود

واکه: قله یا هسته نام دارد

coda بخش پایانی هجا

نامیده می‌شود

When a syllable ends in a vowel it is called an "open syllable, e.g. zoo

وقتی هجا به یک واکه منتهی شود به آن هجا هجای باز یا

Open syllable

گفته می‌شود مانند Z + o

When a syllable ends in a consonant is called a "close syllable:, e.g. wet

وقتی هجا به همخوان منتهی شود به آن هجای بسته یا

close syllable

گفته می‌شود مانند

wet

At most three consonants can occur at the beginning of a syllable and four at the end in English.

حداکثر سه همخوان در آغاز و چهار همخوان در پایان هر هجا در واژگان انگلیسی می‌توانند حضور داشته باشند

Consonant clusters

/mp-/ in the word "jumper" /dʒʌmpər/ is not a cluster since /-m/ and /p-/ belong to two different syllables

بررسی خوشه‌های همخوانی در واژگان انگلیسی

/mp/

در کلمه

یک خوشه نیست زیرا jumper

/-m/ و /p-/

متعلق به دو هجای متفاوت هستند

Consonants like /m/ and /p/ which occur together in a word but form part of two different syllables are called "abutting" consonants.

همخوان‌هایی شبیه

/m/ و /p/

در یک کلمه در کنار هم هستند

اما از نظر هجایی در جایگاه مختلفی قرار می‌گیرند که در این صورت به این همخوان‌ها همخوان مجاور می‌گویند

Native speakers, often pronounce "charge out" as /tʃɑ:dʒ-daut/, "cooks it" as /kuk-sɪt/ by breaking a cluster between syllables.

کسانی که به طور مادرزادی زبان را یاد می‌گیرند اغلب کلماتی مانند

charge out یا cooks it

را با شکستن خوشه بین

هجاها تلفظ می‌کنند.

This process is called phonetic syllabification. It occurs when a final consonant cluster precedes a word beginning with a vowel sound

به این روند هجا بندی آوایی می‌گویند. این نوع هجا بندی زمانی اتفاق می‌افتد که همخوان خوشه انتهایی در جلوی واژه ای قرار می‌گیرد که آن واژه با یک واکه شروع شده باشد

Phonotactics:

Phonotactics refers to the specific arrangement of sounds or phonemes in the syllable structures which occur in a given language.

واج آرایي - آرایش آوایی

به آرایش مخصوص صداها یا واج‌ها در ساختار یک هجا که می‌تواند در یک زبان رخ دهد گفته می‌شود.

)-A stop can not cluster with another stop in the word-initial position. Thus, /b,g,k/ and /p/ do not co-occur word initially.

هرگز دو توفقی در هجای آغازین خوشه همخوانی بوجود نمی‌آورند. بنابراین محال است در هجای آغازین آواهای مانند /b/ - /g/ - /p/ و /k/ را با هم ببینیم .

)-Consonants such as /f,s/ and /s,p,m/ do not cluster word initially.

همخوان های مانند

/ fs /

و یا /spm/

هرگز در خوشه های همخوانی آغازین قرار نمی‌گیرند .

۳-If a word begins with an /l/ or an /r/ the next segment must be a vowel. Therefore, /rblk/ dose not sound English.

اگر لغتي با

/l/ و يا /r/

آغازشود هجاي بعدي بايد باواکه

آغاز شود از اين رو

/rblk/

يك خوشه انگليسي نيست .

۴-When the second consonant is a stop the first consonant can only be /s/, like "ski", "speak."

وقتي دومين همخوان يك توقي باشد

هجاي آغازين فقط

/s/

مي تواند باشد مانند

ski و speak

۵ - /ŋ/ occurs only after some short vowels /ɪ, æ, ʌ, a// in English, such as /sɪŋ/ sing, /sæŋ/ Sang, and /sɒŋ/ song. There fore, unlike Chinese where there are syllables such a /tʃi:ŋ/, /tʃa:ŋ/, /tʃu:ŋ/ such syllables do not occur in English.

/ŋ/ در انگليسي آوي

فقط ميتواند بعد از واکه هاي کوتاه

/ɪ/ ، /æ/ ، /ʌ/ ، /a/

قرارگيرد. مثل

sing / sɪŋ / و sang / sæŋ

۶-If the initial sounds of a word is /tʃ/, the next sound must be a vowel, e.g., "chat and "church" but not /tʃpæ/ and /tʃɪlk./

اگر

/tʃ/

در هجاهای آغازین قرار گیرد صدای بعدی حتما باید واکه باشد مانند

chat و church

V-Two sequential nasal consonants are not permitted in English.

در انگلیسی دو خیشومی هرگز در کنار همدیگر قرار نمی گیرند

Λ-Both voiced and voiceless stops occur word initially before the liquids /l/ and /r/: trade, break.

آواهای توفقی صدادار و بی صدا میتواند در نخستین هجا قبل از

/l/ /r/

قرار گیرند. مانند

trade, break

۹-Only voiceless fricatives can occur word initially before the liquids: fly, thrash, shrink.

فقط بی صداهای سایشی می توانند قبل از

/r/

قرار گیرند. مانند

fly, thrash, shrink

۱۰-Only the following clusters are possible in word-final position

a) a nasal plus two stops: prompt, distinct

b) a stop followed by a fricative and another stop: text, midst

c) a nasal plus a stop followed by a fricative: glimpse, jinx

d) a liquid followed by a stop plus a fricative: corpse, quarts

e) a nasal followed by a fricative followed by a stop: against, amongst

فقط خوشه هاي زیر می توانند در انتهای یک هجا شکل بگیرند

- یک خیشومی بدنبال آن دو توفقی مانند

prompt و distinct

یک توفقی با یک سایشی و سپس یک توفقی دیگر. مانند

text, midst

یک خیشومی به اضافه یک توفقی بدنبال آن یک سایشی. مانند

glimpse و jinx

یک روان (/r/)

بدنبال آن

یک توفقی به اضافه

یک سایشی. مانند

quarts و corps

یک خیشومی بدنبال آن یک سایشی و سپس یک توفقی. مانند

against و amongst

مثال برای آرایش آوایی

۱.	v	/a/
۲.	cv	he /hi:/
۳.	vc	sea/si:/
۴.	cvc	book/bUk/
۵.	ccv	ski /ski:/
۶.	cccv	strange /strendʒ/
۷.	vcc	act /act/
۸.	vccc	arms /a:mz/
۹.	vcccc	empts /ɛmpts/
۱۰.	ccvc	speak /spi:k/
۱۱.	ccvcc	street /stri:t/
۱۲.	cccvcc	streams /stri:mz/
۱۳.	cvcc	hint /hInt/
۱۴.	cvccc	hands /hænds/
۱۵.	cvcccc	texts /teksts/
۱۶.	ccvcc	start /start/
۱۷.	ccvccc	trunks /trʌŋks/
۱۸.	cccvccc	stricts /strɪkts/

Reaction features: the features that occur in certain situations:

مشخصه های واکنشی: ویژه گی هایی هستند که در شرایط معین روی می دهند

۱. Assimilation: the conversion of the features of a phoneme towards the sameness of the features of the phoneme in its sequential position. (eg. Inregular..... Irregular)

همگون سازی: تغییر شرطی مشخصه های یک واج در جهت تطبیق بامشخصه های واج بعد از آن

۲. Dissimilation : the process by which one phoneme is inserted between two sequential phonemes with similar features so that both of them can appear in pronunciation. (eg. benches)

ناهمگون سازی: فرایند تمایز دو واج متوالی با مشخصه های مشابه از طریق درج واج میانجی

۳. Elision: the reduction of the sound segment in utterance of a word. (eg. Friendship..... Frienship)

حذف: کاهش زنجیره صدایی در تلفظ یک واژه

Stress

Segmental phonemes (i.e., vowels and consonants), and suprasegmental features such as stress and intonation.

فشار :

آهنگ و فشار (بر واژه ها و همخوان ها) در زنجیره ی زبانی بسیار مهم هستند

A stressed syllable can be defined as one which is more prominent than the surrounding ones and stands out among them.

فشار روي يك هجا مي‌تواند آن را بارزتر از هجا هاي مجاور كند و خود را در بين آن‌ها بهتر نمايان كند

A syllable that is stressed may also be somewhat longer in duration than an unstressed syllable and be produced at a higher than normal pitch.

هجایی که استرس روی آن است می‌تواند تا حدودی تلفظ قوی‌تری در مقایسه با هجایی که استرس ندارد و با صدایی بلندتر ادا می‌شود داشته باشد

There are four levels of stress in English: primary, secondary, tertiary and weak.

استرس در زبان چهار سطح دارد: اولیه، ثانویه، ثالثیه، و ضعیف

At least three out of four of two syllable words have primary stress on the first syllable.

در اکثر کلمات دو هجایی (حداقل سه چهارم آنها) فشار اولیه روی بخش اول است

Words, which may be used either as nouns, or verbs. The nouns have primary stress on the first syllable and the verbs on the second.

واژگانی که به دو شکل اسم و فعل بکار می‌روند (یعنی هم نقش اسم دارند هم نقش فعل). اگر آن واژه اسم باشد عموماً استرس اولیه روی هجای اول و اگر فعل باشد عموماً استرس اولیه روی هجای دوم قرار می‌گیرد

Word which can function either as adjective or verb.

Adjective have primary stress on the first syllable and the verb on the second.

واژگانی که به دو شکل فعل و صفت بکار می‌روند (یعنی هم نقش فعل دارند هم نقش صفت). درواژگانی که صفت باشند استرس اولیه عموماً روی هجای اول و اگر فعل باشند استرس اولیه عموماً روی هجای دوم قرار می‌گیرد

When a suffix is basic word: ab'anndon, ab'andonment; h'appy, h'appiness, re'ason, re'asonable.

وقتي واژه ای با پسوندهایی مانند

-ment, -ness, -able

شروع می‌شود مکان استرس هیچ تغییری نمی‌کند و در همان جایگاه قبلی باقی می‌ماند

However, words ending in -tion, -sion, -ic, -ical, -ity- eous, -ive, and -graphy almost always have primary stress on the syllable preceding.

گاهی در کلماتی که پسوندهای

-tion, -sion, -ic, -ical, -ity- eous, -ive, and -graphy

دریافت می‌کنند مکان استرس به هجای ما قبل از آخر منتقل می‌شود

Some suffixes carry primary stress themselves:

-ese: Japa'nese

-ee: refe'ree

-eer: mountai'neer

-ette: ciga'rette

-esque: statu'esque

-ain: enter'tain

بعضی از پسوندها جایگاه استرس اولیه خودشان را حفظ می‌کنند: استرس در کلماتی که با این پسوند های می‌آیند بر روی این پسوندها قرار می‌گیرد

-ese: Japa'nese

-ee: refe'ree

-eer: mountai'neer

-ette: ciga'rette

-esque: statu'esque

-ain: enter'tain

Stress pattern of words with prefixes:

There are no prefixes always carrying primary stresses. Stress in words with prefixes is governed by the same rules as those for words without prefixes.

الگوي استرس در کلمات با پیشوند

هرگز استرس اولیه روی پیشوند قرار نمی‌گیرد. استرس اولیه در کلمات با پیشوند تابع همان قوانینی است که در کلمات بدون پیشوند اعمال می‌شود. (پیشوند باعث جابجایی استرس نمی‌شود)

a) Compound nouns ordinarily have a primary stress on the first component and a secondary stress on the second.

الف) در اسم‌های مرکب استرس اولیه روی جزء اول و استرس ثانویه روی جزء دوم قرار دارد

b) In compound verbs. There is usually a secondary stress on the first component and a primary on the second.

ب) در فعل‌های مرکب استرس ثانویه روی جزء اول و استرس اولیه روی جزء دوم قرار دارد

c) Modifier plus nouns have a secondary stress on the first component and a primary on the second.

ج) در ترکیب‌های صفت همراه با اسم استرس ثانویه روی جزء اول و استرس اولیه روی جزء دوم قرار دارد

d) In qualifier plus adjectives, a secondary stress falls on the qualifier and a primary on the adjective.

د) در ترکیب های تشدید همراه با صفت یا قید استرس ثانویه روی تشدید کننده و استرس اولیه روی صفت یا قید قرار دارد

e) Verbals plus nouns have a secondary stress on the first component and a primary on the second.

ه) در ترکیب های صفات فاعلی همراه با اسم استرس ثانویه روی جزء اول و استرس اولیه روی جزء دوم است

f) Two-word verbs have a secondary stress on the verb and primary on the particle.

ز) در افعال دو کلمه ای (اصطلاحات) استرس ثانویه روی فعل و استرس اولیه روی جزء اضافه قرار می گیرد

When sentence-stress falls on a word of more than one syllable it always falls on the syllable which normally receives word-stress; I'll meet you tomorrow.

زمانی که استرس جمله روی کلمه ای قرار گیرد که بیشتر از یک هجا دارد معمولاً این فشار روی هجایی اعمال می شود که به طور عادی فشار آن کلمه را همراه دارد

۱-Nouns :

Content words are normally stressed in a sentence

۲-Verbs

(With a few exception are listed under function words)

۳- Adjectives

۴-Adverbs

۵- Demonstratives: this, that, these, those

۶-Interrogatives: who, when, why, what, where

فهرست واژگانی که معمولاً در جمله استرس روی آنها قرار می‌گیرد (واژگانی که نسبت به واژگان دیگر با آهنگ پررنگتری تلفظ می‌شوند)

اسم‌ها

(فعل‌ها بدون در نظر گرفتن تعداد معدودی از استثنائات)

صفت‌ها

قید‌ها

this, that, these, those صفات اشاره

wha: who, when, why, what, where کلمات پرسشی

Function words are not stressed, unless for emphasis

Articles: a, an, the

Prepositions: to, from, of, at, etc.

Personal pronouns: I, me, he, him, etc.

Possessive adjectives: my, his, your, etc.

Relative pronouns: who, that, which, etc.

Common conjunctions: and, but, that, as, it, etc.

One used as a noun substitute

Auxiliaries: be, have, do, can, etc

استرس بر روی کلمات نقشی قرار نمی‌گیرد مگر با هدف تأکید بر آنها

این کلمات عبارتند از

a, an, the: حروف تعریف

to, from, of, at: حروف اضافه

I, me, he, him: ضمائر فاعلی و مفعولی

my, his, your

who, that, which: ضمائر موصولی

and, but, that, as, it که ربط

به عنوان ضمیر مبهم که جایگزین گروه اسمی می‌شود One

be, have, do, can فعل های کمکی

Rhythm

Rhythm refers to the recurrence of sentence stress at regular intervals.

آهنگ

آهنگ عبارت است از تناوب تکرار استرس در جمله در فواصل معین

Intonation

Intonation is the tune of what we say.

Intonation is the rise and fall of voice on certain words in a sentence.

نواخت

نواخت : عبارت است از لحن گفتاری که بیان می‌شود و به عبارتی دیگر خیز و افت

و یا بالا و پایین رفتن تن صدا در ادای کلماتی معین در جمله

Rising-falling intonation

The voice most frequency rises above normal, then falls below normal.

Falling - Rising

I said I couldn't hear you

آهنگ صعودی - نزولی

در این حالت فرکانس صدا به شکل متناوب ابتدا به سطح بالاتر از حد نرمال رفته و سپس به زیر حد نرمال نزول می‌کند

Rising intonation refers to the movement of voice from a lower to a higher pitch level. It is mainly used for yes/ no questions:

Are you ready ? Yes / No .

آهنگ صعودي : حرکت صدا از حد پایین به حد بالاتر را آهنگ صعودي مي گويند. معمولاً این آهنگ برای سوال هاي با جوابهای

yes یا no

استفاده مي شود

Any statement can be changed into a yes-no question simply by the use of rising intonation, without changing the words themselves in any way.

It is time for him stop.

It is time for him stop?!

مي توان بدون تغيير در ساختار جمله و صرفاً با تغيير آهنگ جمله آنرا از شکل خبري به شکل سوالی تبدیل کرد

We may pronounce on a higher note the stressed syllable of any word to which we want to call the attention of the listener.

What do you know about politics?

What do you know about politics?

اگر بخواهيم توجه شنونده را به کلمه خاصی در جمله جلب کنیم مي توانيم آن هجا از واژه که استرس اصلي را حمل مي کند را با آهنگ بالاتر بيان کنیم

Limited Choices With "or". Rising intonation is used for all except the final alternative.

You can express it in writing or speaking or gesture.

در انتخاب هاي محدود که در آنها از کلمه ي " یا " استفاده مي شود لحن صعودي برای همه ي گزینه ها به جز انتخاب آخر اعمال مي شود

Series With “and” (the same as No. ۱)

I have two brothers, one sister and three cousins.

زمانی که عطف ها محدود باشند و از حرف "و" بین آنها استفاده شود لحن صعودی برای همه موارد به غیر از مورد آخر استفاده می شود

Unlimited Choices With “or”. When the choices are not limited, rising intonation is used for all choices.

Do you want tea or coffee?

زمانی که انتخاب نام محدود باشد و از کلمه "یا" بین آنها استفاده شود لحن صدای صعودی برای همه انتخاب ها به کار می رود

Direct address. Rising intonation is used for names or name substitutes and titles addressed directly to the person to whom one is speaking.

My friend, I’m glad to see you.

در صورت مورد خطاب قرار دادن مستقیم لحن صعودی برای اسامی یا جایگزین های اسامی و برای عنوان های کسی که مورد صحبت است به طور مستقیم به کار می رود

Tag Questions. When the speaker already knows, when the speaker is not sure of the answer. The former has rising-falling intonation pattern and the latter rising intonation.

You are hungry, aren’t you?

You are hungry, aren’t you?

آهنگ در ادای دم سوالی ها (شبه جمله های سوالی) از دو الگوی زیر پیروی می کند : در صورتی که که گوینده از پیش جواب را بداند از لحن صعودی و نزولی استفاده می کند و در صورتی که که گوینده از پاسخ سوال مطمئن نباشد فقط از لحن صعودی استفاده می کند

iː	ɪ	ʊ	uː	ɪə	eɪ	ɪ	
/siː/ see	/ɪt/ sit	/pʊt/ put	/tuː/ too	/nɪə/ near	/deɪ/ day		
e	ə	ɜː	ɔː	ʊə	ɔɪ	əʊ	
/bed/ bed	/ə'baʊt/ about	/tɜːn/ turn	/sɔː/ saw	/pjʊə/ pure	/bɔɪ/ boy	/gəʊ/ go	
æ	ʌ	ɑː	ɒ	eə	aɪ	aʊ	
/kæt/ cat	/kʌp/ cup	/kɑː/ car	/hɒt/ hot	/deə/ there	/laɪt/ light	/haʊ/ how	
p	b	t	d	tʃ	dʒ	k	g
/pen/ pen	/bæd/ bad	/tiː/ tea	/dɔː/ door	/tʃɜːtʃ/ church	/dʒæm/ jam	/kæn/ can	/get/ get
f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
/faɪv/ five	/væn/ van	/θɪn/ thin	/ðə/ the	/sɪt/ sit	/zuː/ zoo	/ʃuː/ shoe	/'vɪʒən/ vision
m	n	ŋ	h	l	r	w	j
/mæn/ man	/nɒt/ not	/sɪŋ/ sing	/hæt/ hat	/leg/ leg	/red/ red	/wet/ wet	/jes/ yes

chart © Adrian Underhill